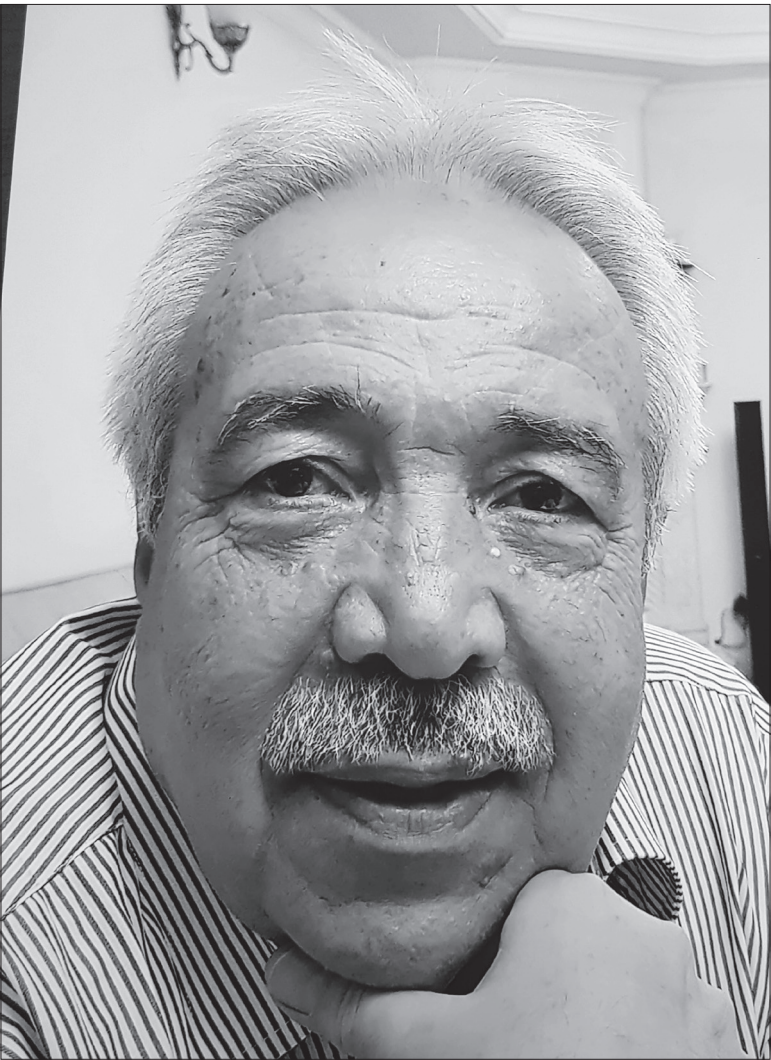


عیسی نظری سردبیر نویدآذربایجان:

آقایان آن ممه رالولوبرد



آنها می‌خواهندمادرنداری خودغرق بشویم، صنعت‌وتوسعه‌مان مرکزیت‌باشدو ما استان‌وازل‌درپرداخت مالیات باشیم. این تئوری‌هایرای‌عدم‌درخواست‌واحقاق‌حقوق‌خودمان‌است. یاروفیلسوف‌مانقورود اعتراض کرده و در مهر نامه چاپ شده است چرا در سه استان تورک زبان اجازه داده‌ید درس و یا واحد اختیاری آموزش زبان محلی در دانشگاه‌انها راه اندازی شود. بروید بخوانید. آقای قوچانی هم نشر دهنده است

ارتجاعی چیست. اگر دوران گذشته خیلی به اصطلاح پارلاق و روشن باشد باز هم نباید بدان پرداخت؟

ببینید عزیزان! هیچ گذشته ای از حال و آینده انسان با ارزش تر نیست، گذشته همواره ارتجاعی و منحنط است، ظرفیتی همواره به من می‌گفت اگر پرنده ای که سر آن به طرف گذشته باشد و دم آن به طرف آینده، بدان که دمش از سرش با شرف تر است، نجات همواره در آینده و کشتار ملی همواره در گذشته است اگر از آن درس بگیریم و آمادگی ذهنی نداشته باشیم باز هم خسونت کشتار گذشته گرائی دامن ما را می‌گیرد.

وقتی شوینیم اتهام می‌زند، تحقیر می‌کند، کوچک میسازد صرفا و صرفا آماده سازی برای کشتار های بعدی است، بگذارید از همین اورمیه یک مثال بزنم.

وقتی سعادت استاندارد بود و آقااشتری مدیرکل میراث فرهنگی،ایشان در مصاحبه ای فرمودند که خانه باغ سیواش خانه اربابی بوده و در زمان رژیم سابق یعنی پهلوی احداث شده است. الان هم این مصاحبه در خبرگزاریها موجود است. آن موقع من فکر کردم ام اشتباه لپی این آقا است و ارزش پاسخگوئی هم ندارد اما بعد متوجه شدم باید واکنش نشان داد.باغ سیواش دارا اولاداره حکومت افشار بوده و تاریخ آن در زمان حکومت قاجارها نوشته شده و الان در کتابخانه های

● **آقای نظری ! شما بعنوان سردبیر نوید آذربایجان همواره از مکتب آذربایجان گفته اید و نوشته اید.در همین چند ماه گذشته سایت های مختلف درافتی نقاط جهان از مباحث مطرح شده با روشنفکران مرکز بحث به میان آمده است. حرفتان با مرکزیت روشنفکری ایران چیست؟**

مکتب آذربایجان ابعاد مختلفی دارد،بعدی از آن توسط نویدآذربایجان در سالهای گذشته تاکنون مطرح شده است.ما بعنوان یک نشریه مباحث نوینی را طرح و آنها را همگانی کرده ایم.اگر روزی کسی نمی‌دانست هویت طلبی چیست، امروز هر کسی ادعای آن دارد تکلیف و وظیفه ما بعنوان روشنفکران یا فعالین فرهنگی و یومی دیگر شرح آنها نیست تعمیق آنهاست.تعیین خطوط واقعی آنها بابتالال و کلیشه هاست.

● **یعنی معنی این حرف آن است که خطر همچنان موجود است؟**

طبیعی است الان موج گذشته گرائی، خسونت طلبی بیشتر از همیشه خطر آفرین است.در آمریکا ترامپ، در اروپا راست گرایان نازناز حتی در آسیا گذشته گرایان داعشی و یا حتی در ایران شوینیم کشتازگر شروع به جنبش از بیخ زدگی نموده اند.

بروید یک نگاه یه نوشته های مهرنامه در خصوص کوروش نامه بیابانراید،ببینید انسان از انسانیت خود دل آزرده میشود یا خیر؟

نویسندگان این ترانه های فاشیستی، انسان امروز و روشنفکر مرکز است و دقیقا صدای پای فاشیسم و کشتار است.مخفل شوینیم ایرانی در آن مجله خانه کرده تاکوروش واهی و غیر تاریخی را بعنوان راه نجات مردم به خورد مردم بدهد.

● **تاریخ گذشته، در تمامی ملت های جهان خوانده می‌شود،خواندمشدن آن به نظر ناخطرناک است؟**

نه.خوانده شدن آن اگر امری تاریخی است و برای عبرت آموزی،امری عادی است اما اگر برای سیاست گذاری فعلی مملکت است،اجرا کردن سیاست قومی رضا شاه برای سرکوب ملت های ایرانی برای ساختن ملت ایران است.

پس از روی کار آمدن رضا میر پنج با سیاست انگلیس که طبیعتا مقداری هم خدمات دارد اما تمامی آن خدمات برای کشتار به نفع انگلیسی ها ایجاد شد.ارتش نوین هم خدمت بود و هم خیانتی به ملت های ایران تا یکی یکی تمامی آنها را سرکوب کنند. کشتار ملت ها در عالم هیزوت و یا قبل از تاریخ اتفاق نیافته است همین قرن اخیر است یعنی تاریخ معاصر ایران است.

کشتار ملت های ایران در رژیم گذشته شامل یکی و یا دوتا نیست. کشتار خراسان ، کشتار گیلان، کشتار بلوچستان، کشتار عربستان، لرستان، چهار محال بختیاری، بوشهر، کشتار کرستان، کشتار آذربایجان. این کشتار آخری به دروغ جنگ با فرقه دمکرات معنی شده است.وقتی فرقه دمکرات در آذربایجان بود تمامی ارتش شاهنشاهی و خود اعلی حضرت همایونی در سوراخ های موش قایم شده بودند.وقتی فرقه صلح کرد یا تسلیم شد و بالاخره به شوروی فرستاد کرد شوینیم کشتازگر ،مردم عادی کوچه و بازار را قتل و عام نمود و بعد بچه های آن مردم را وادار گردند بر سر جنازه های پدران خود رقص و پایکوبی کنند. چون آنها را نجات دادند.این گذشته کشتار است. ملت کشی معنی اش این است حالا سیاست این فرد را روشنفکران مرکز با همکاری مانقورودهای محلی و داخلی با نام و عنوان کوروش مجددا در ایران حاکم کنند.یک باستان گرای آفشسته در گذشته منحنط و ارتجاعی و برای انتقام از به اصطلاح اقوام ایرانی و تحت نام شاهنامه و یا کوروش نامه!

نمی‌خواهم با سوال های مختلف از بحث اصلی خارج شوم اما منظورشان از گذشته گرائی منحنط و

با خوانندگان

نتایج یک مطالعه روی ۸۰۰ هزار نفر نشان داد:

احتمال زوال عقل در مجردهایبشتر است ازدواج و دمناس



مطالعه اخیر کالج دانشگاهی لندن نشان می‌دهد که افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، احتمال بیشتری دارد که دچار دمانش شوند.

به‌گزارش ایسنا و به نقل از تک‌تایمز، نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد افرادی‌که ازدواج می‌کنند با احتمال کمتری از مبتلا به زوال عقل مواجه هستند و ضمنتاسانی که همسر تنها هستند، جدا شده‌اند و یا همسر خود را از دست داده‌اند خطر ابتلا به اختلالات روانی را تجربه می‌کنند.

مطالعه جدید UCL نشان می‌دهد که ازدواج می‌تواند به فرد کمک‌کند که از ابتلا به زوال عقل بگریزد. افرادی‌که در معرض ابتلا به اختلالات ذهنی هستند.

پژوهش جدید توسط محققان کالج دانشگاهی لندن شواهدی از ۱۵۰ مطالعه منتشر شده که بیش از ۸۰۰ هزار نفر را از آسیا، آمریکا شمالی و جنوبی و اروپا شامل می‌شد، بررسی کرد.

نتایج این مطالعه می‌گوید افرادی که هرگز ازدواج نکرده‌اند، ۴۲ درصد احتمال بیشتر ابتلا به دمناس را در مقایسه با افراد متاهل نشان داده‌اند.

تحقیق همچنین کشف کرد که افراد جدا شده و همسر از دست داده، نسبت به کسانی‌که با همسرشان زندگی می‌کنند، ۲۰ درصد احتمال بیشتری برای ابتلا به زوال عقل دارند. نیز وجود محققان می‌گوید ازدواج به خودی خود کاهش احتمال ابتلا به دمناس مرتبط نیست.

«لندرو ساسرلند»، نویسنده اصلی این مقاله گفت: ما فکر نمی‌کنیم که فقط ازدواج و یا دست کردن یک حلقه ازدواج باعث کاهش خطر ابتلا به زوال عقل می‌شود. در عوض، تحقیقات ما نشان می‌دهد اثر حفاظتی ممکن است با عوامل مختلف شیوه زندگی مرتبط باشد که این اثرات معمولا با ازدواج همراه هستند. اثراتی مانند شیوه زندگی به طور کلی سالم‌تر و داشتن انگیزه اجتماعی بیشتر در نتیجه زندگی یا همسر. تیم تحقیق می‌گوید تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که افراد متاهل سلامت بیشتری نسبت به افراد تنها دارند و این می‌تواند بخشی از یافته‌ها را توضیح دهد.

زوجها معمولا یکدیگر را در کم‌تر نوشتیدن الکل یا استعمال‌کنند.تخانیات شوقی می‌کنند، روابط اجتماعی را حفظ می‌کنند، غذای سالم می‌خورند و ورزش می‌کنند. تمام این عوامل با ریسک کمتری برای زوال عقل همراه است. مرگ همسر و اثرات آن می‌تواند سطوح استرس را افزایش دهد که می‌تواند با تأثیر بر دریافت‌کننده‌های سیگنال‌های عصبی در مغز، توانایی‌های شناختی را مختل کند. یک تیم تحقیقاتی از دانشگاه چینی هنگ کنگ با همکاری دانشگاه ملی سنگاپور یک مقاله مشترک منتشر کرده است که نشان می‌دهد فعالیت جنسی نیز با عملکرد شناختی بهتر مرتبط است و افراد تنها و مجرد ادعای فعالیت جنسی کمتری دارند.

به گفته کیت فارگو، مدیر انجمن آلزایمر، اگرچه مطالعه نشان می‌دهد که افراد متاهل احتمال کمتری برای ابتلا به زوال عقل دارند، اما این امر به این معنی نیست که ازدواج کردن یا داشتن یک شریک حتما خطر ابتلا به زوال عقل را کاهش می‌دهد.

دکتر «برایان وودروف»، عصب‌شناس در درمانگاه «Mayo» در فورتیکس، افزود: اگر مشارکت اجتماعی یکی از اثرات مثبت و محافظتی ازدواج باشد، همانطور که در مطالعه مشخص شد، افراد مجرد باید تلاش کنند تا از مزایای اجتماعی اجتناب کنند.

این مطالعه در مجله Psychiatry Neurology and Geriatrics Neurology منتشر شده است.

حماقت هائی اعتقاد دارند.از صنف انسانی باید بیرون گذاشته شوند.عادل ترین شاه ایران در تاریخ ،اتوشیروان دادگر بوده که در یک شب ۶۰ هزار انسان را وارونه کشته است. لاپید ترامپ هم برای آزادی مردم عراق و لیبی و سوریه آمده است…

واقعا که برای یک سردبیر مرکزی باید هم داستانی با تئوری بافان کشتار ملت های ایران باید و باید ننگ باشد.

من از قاتلین گذشته ملت های ایران است که در سرزمین و چه داشناک های ارمنی و جیلوها ترسی ندارم. این رویایافان پیشه تاریخی جز زحمت ما و حیثیت خود چیزی از دست نمی دهند .اما روشنفکران مرکز و بویژه سردبیران نشوریات مرکزیت باید از این هم داستانی شرمگین باشند،هرجا ممکن باشد از این دسته باید سوال شود و بدین سادگی نخواهد بود که بار دیگر بخوانند پس از جمهوری دویباره سایه نحس کشتار گران ملت های جهان را بر ایران حاکم نمایند و تحت نام شاه نامه و یا کوروش نامه.

سردبیر عزیز آن ممه رالولوبرد.

التباهیه ما انسان های ملنی هستیم؛چه در مقابل فیلسوفان کشتار و چه دولت امید و اعتدال فقط سوال می‌کنیم.این چه وطنی است که شما به نام و یا به ننگ از آن حمایت می‌کنید!!.اما فرزندان همان وطن و انسان های همان وطن را با ولع و حرص هذیان آوری کشتار می‌کنید!..چون وقتی از کشتار های گذشته منحنط تاریخی قدرانی می‌کنید،یعنی برای کشتار های جدید آماده میشود و با حرص و ولع اعلام می‌کنید یک رضا پالانی و یا بدتر از آن یک کوروش لازم دارید!..

من از واضع این تئوری ها هیچگونه انتظاری ندارم.اما از روشنفکران مرکز و مرکز طلبان روشنفکر انتظار دارم که بگویند چرا از مردم اطراف ایران این انداره انزجار دارید!..چرا برای کشتار آنها اینقدر حرص و ولع دارید!..زنده کردن کین و نام و ننگ تاریخی چه سودی برایتان دارد! آقایان مرکز گراها،آقای قوچانی! اینهمه کینه برای انسانها را از کجا تلنبار می‌کنید؟ چرا ما نمی‌توانیم از شما کینه داشته باشیم؟

آقای اعتدالین آقایان روشنفکران مرکز! در این وطن، ملت های بزرگ ایران چه تورک،چه کرد،چه بلوچ،چه عربستان و یا بابل و یونان و افغان و غیره در زیر صدها خوروا آگاهی ملی مدفون شده است.با تئوریزه کردن این گذشته کوروشی. از سردبیران آن مجله سوال کردم که با سی میلیون تورک چه خواهید کرد؟

مرد نا حساسی ملت ها امروز با کشتار تمام نمی‌شوند.پان ابراینست معروف آقای مشیری در یک نوشته می‌گوید: وقتی فاشیست های آندکمش به قدرت می‌رسند، کاری می‌کنند که رژیم پهلوی و ارتش شاهنشاهی در آذربایجان مرتکب شد.فرقه فرار کرده رفقیم افراد کوچه و بازار را در تیریز و آذربایجان کشتار نمودید! بدون هیچ علت معقول!

● **برخی می‌گویند کوروش منشور حقوق بشر نوشته و بابل را آزاد کرده نظران در این خصوص چیست؟**

وقتی یک شاه از ایران لشکر کشی می‌کند و در هزاره پیشا تاریخی چنین خزعبلاتی می‌بافند، فقط محض خنده است.در هزاره سوم، نجات عراق و لیبی و افغانستان توسط امریکا و جهان بین الملل را دیدیم.اچه چه دولت ، خواسته یکی است و آنهام خواسته شوینیم غارتگر و قاتلین ملت های ایران.

ها، کردها،خراسانی ها، گیلانی ها، لر ها،تورک ها هم باید متحد باشندو هم هوشیار باشند.وقتی صدای کشتار فاشیستی از دهان یک به اصطلاح فیلسوف پخش می‌شود و آنهام در مجله های روشنفکران مرکزیت انعکاس می‌یابد،یعنی آماده سازی .

برای همین از شما خواستم آئی نمی‌دانم فلائی پاسدار است و یا ملاح است ویا نماز می‌خواند یا نمی‌خواند،مهم برای ما یک انسان است که در سرزمین ایران زندگی می‌کند و نباید به دست جرنومه های فساد ترویستی و شوینستی چه تجزیه طلب و چه مرکزیت طلب کشته شود. این خواسته زیادی نیست.

ما شهروندان ایران هستیم اگر واقعیت فارس همانند فارس اصیل مثل مثلا فرج سرکوهی باشد مشکلی پیش نمی‌آید.

در همان مجله اش می‌گوید دهان آن فیلسوفی که برای کشتار، تئوری کوروشی ابداع می‌کند! در سایت خود می‌نویسد که «همانطور که شما را در گذشته کشته ایم و خوب کرده ایم مجددا هم خواهیم کشت» فکر میکند اگر ذیل آن را امضا نکند محکوم نمی‌شود.

● **آقای نظری شما سی سال قاضی بودید واقعا چطور یک نفریک همچین تئوری خطرناکی را مطرح میکند، دولت و یا ارگانهای امنیتی واکنشی نشان نمی‌دهند.آیا این تهدیدات هیچگونه حساسیتی برای دولت ندارد؟**

من یکبار در نوید آذربایجان مطلبی نوشته بودم تحت عنوان " در بی دولتی تورک های ایران"

برای همین می‌گویم رای دادن،نفعی به حال ما نداشت تا به امروز. کلاه سرمان رفته است.آقای استاندار بعضی مهره چینی برای تعریف و تمجید روحانی و مسئولین باید فردی را انتخاب می‌کرد که بتواند به روحانی بگوید اگر رئیس دولت ما هستی باید تئوری های فاشیستی شوینیم را جمع بکنی!!.ان هر کس حتی از بیهودی ها بد نگوید و فقط بگوید که آتش زدن آنها در کمب ها دروغ است بعنوان ها لوکاست و عدم اعتقاد به آن مجازات می‌شود اما در این مملکت فیلسوفی صراحتا می‌گوید تورک خوب تورک، مرده است و باید شما را بکشیم!!..اقدام استانداری یا فرمانداری عکس العمل نشان داده،کدام نیروی امنیتی به رئیس جمهور نامه نوشته که این کوروش نامه ها، شاهنامه ها و خواندن و تئوریک کردن آنها برای کشتار ملت های ایران تحت عنوان نوعی کونجک کردن ملت و سرکوب و کشتار آنها از طرف مرکزیت گذشته گرا، منحنط و غیر انسانی است !!..حداقل تهدید به قتل ملت،یک جرم حقوقی است،

زمان و زمانه ، دوران آگاهی و آزادی می‌باشد،زمانه کشتار های شاهنشاهان از ملت های گوناگون در مصر، عربستان و یا بابل و یونان و افغان و غیره در زیر صدها خوروا آگاهی ملی مدفون شده است.با تئوریزه کردن این گذشته کوروشی.

مرد نا حساسی ملت ها امروز با کشتار تمام نمی‌شوند.پان ابراینست معروف آقای مشیری در یک نوشته می‌گوید: وقتی فاشیست های آندکمش به قدرت می‌رسند، کاری می‌کنند که رژیم پهلوی و ارتش شاهنشاهی در آذربایجان مرتکب شد.فرقه فرار کرده رفقیم افراد کوچه و بازار را در تیریز و آذربایجان کشتار نمودید! بدون هیچ علت معقول!

● **برخی می‌گویند کوروش منشور حقوق بشر نوشته و بابل را آزاد کرده نظران در این خصوص چیست؟**

وقتی یک شاه از ایران لشکر کشی می‌کند و در هزاره پیشا تاریخی چنین خزعبلاتی می‌بافند، فقط محض خنده است.در هزاره سوم، نجات عراق و لیبی و افغانستان توسط امریکا و جهان بین الملل را دیدیم.اچه چه دولت ، خواسته یکی است و آنهام خواسته شوینیم غارتگر و قاتلین ملت های ایران.

چرا ایرانیان به حوادث جهان اسلام بی تفاوت اند؟

دینی است! ورود حاکمیت به مسائل مرتبط با وجدان بشری و اخلاق عمومی، طبیعتا چهارچوب هایی برای خودش و مردم ترسیم می‌کند که عمل سیاسی خارج از آن برای مردم امکان پذیر نیست؛ یعنی حاکمیت به مردم می‌گوید، به چه عصری در جهان اسلام واکنش نشان بدهد، چگونه واکنش نشان بدهد و حتی می‌گوید کجا واکنش نشان دهد. مثلا بعد از برگزاری نماز جمعه و حتی بیشتر از کم و کیف اعتراضات، به مردم می‌گوید چه شعار بدهند و عکس و پرچم چه کسانی را به آتش بکشند. چنین رویه ای، آفات متعددی در این سالها به همراه خود داشته است؛ نخستین آفت دولتی کردن اعتراضات که نسبت به نقض امور عمومی و مسائل مرتبط با وجدان بشری صورت می‌گیرد، افراط و تبذیل این اعتراضات به ضد خود است. نهاد حاکمیتی چون باید گزارش در بسیج عواطف و احساسات مردمی دیده شود و گزارش کار. مفصلی ارائه دهد، در این مسأله افراط نشان می‌دهد. افراط حاکمیت سیاسی در هر امری، ضد آن را در بدنه جامعه تولید می‌کند و این مسأله در جامعه ما البته با شدت بیشتری هم صورت می‌پذیرد، چون منافذ دیگر به روی مردم بسته است و بی تفاوتی به امر حاکمیتی، نخستین واکنشی است که مردم نشان می‌دهند. برای همین است که مردم با اینکه بارها نوع دوستی خود را ثابت کرده اند، از روشن کردن شمع به صورت داوطلبانه برای تعداد کمتری کشته در یک کشور اروپایی بیشتر استقبال می‌کنند تا واکنش مدیریت شده حاکمیتی به مسائل مهم تر در نزدیکی خودشان.



نگاهی به زلزله خیزی اورمیه

خطر بزرگی برای زلزله در اورمیه متصور نیست

نمی‌باشد و شهر اورمیه از نقطه نظر زلزله خیزی دارای درجه متوسط می‌باشد. این نشانها در منطقه به صورت ریز زلزله در مناطق خوی و سلماس نمود پیدا خواهد کرد. با اینحال زلزله بزرگتری برای منطقه اورمیه متصور نمی‌گردد.

ولی با توجه به عدم توانایی تکنولوژی فعلی بشری برای پیشبینی زلزله لزوم توجه به موارد ایمنی شرط احتیاط می‌باشد.و لازم است همشهریان عزیز موارد قبل و حین زلزله را با هماهنگی مراجع ذیصلاح از جمله ستاد بحران وهلال احمر رعایت نمایند.

شمالغرب روستای "کوسه سو" شروع و در حالی که در حدود ۳ کیلومتر به موازات گسل شمالی پیش می‌آید به طرف جنوب منحرف شده و در نزدیکی روستای "رازان" به پایان میرسد. گسل دیگر نیز به طول تقریبی ۲۳/۵ کیلومتر از جنوب روستای "انبی" شروع شده و بعد در قسمتهای جنوبی کوه سه گوشه به پایان می‌رسد. این گسل نسبت به گسل سیلوانا بزرگتر و اصلی است. ادامه این گسل در جنوب انبی به گسل شمالی سیلوانا می‌رسد.

گسل مهم دیگر اورمیه گسل "بنکار" می‌باشد که دارای شاخه های فرعی تر بسیار زیادی می‌باشد. طول این گسل نیز در حدود ۲۸ کیلو متر می‌باشد که در قسمتهای شمالی و جنوبی روستای "جرمی" و بنکار به موازات همدیگر هستند. راستای این گسل خمدار N-S- می‌باشد . گسل دیگر منطقه گسل "دیلزی" می‌باشد که طول آن بالغ بر ۴۵ کیلومتر است . دارای راستای شمالی جنوبی و توان لرزه زانی آن نسبت به دیگر گسل های محلی زیاد می‌باشد. با توجه به طول کم این گسلها و احتمال شکستگی حداکثر نصف این گسلها در اثر فشارهای تکنونیک زلزله بزرگ برای منطقه اورمیه متصور



دکتر توحید ملکش زاده

وقوع فعالیتهای اخیر در غرب ایران که ناشی از فتردگی ایران مابین صفحات عربستان و توران میباشد سبب فعال شدن گسلهای محلی آذربایجان در مناطق استان آذربایجان غربی شده است که بسیار طبیعی است.

زلزله اخیر اورمیه نیز از این جمله می‌باشد. شکستگی های زمین از جنوب وان وارد استان آذربایجان غربی شده و پس از عبور از مرز ایران با ترکیه به گسل "سیلوانا" مشهور می‌باشد. این گسل در واقع از شمال و جنوب روستای سیلوانا عبور می‌کند. گسل شمالی از شمالغرب روستای "بند" شروع و تا شمال شرق روستای :هلوری" به پایان میرسد. گسل جنوبی نیز از